

بررسی آغاز بندی ۱۰ منظومه‌ی حماسی

فرهاد محمدی^۱

دکتر احمد ذاکری^۲



چکیده

آغاز بندی هر اثر از سویی نشان دهنده‌ی هنرمندی و بلاغت صاحب اثر خواهد بود چه شاعر یا نویسنده با آوردن براعت استهلال یا نگارش دیباچه در آغاز در حقیقت تم و لبّ اثر خود را بیان می‌کند همچون کشاورزی که دست چین‌ترین میوه‌ی خود را بر روی بار قرار می‌دهد. از دیگر سو آغاز بندی نشان دهنده‌ی جهان بینی فلسفی، دینی و سیاسی صاحب اثر خواهد بود. از آغاز بندی منظومه‌های فارسی به آسانی می‌توان به جهان بینی و نوع اندیشه‌ی سراینده‌ی آن پی برد.

کلید واژه: شاهنامه، حماسه‌ی منظوم، گرشاسب نامه، شرفنامه، جهانگیر نامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

1 دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی، کرج- ایران

2 دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، کرج- ایران

مقدمه

با توجه به منظومه‌های حماسی موجود در ایران و این که قرن چهار و پنج دوران شکوفایی حماسه‌های ملی است باید اذعان داشت شاهنامه‌ی فردوسی اثر جاویدان سخنور طوسی سرآمد حماسه‌های ملی است. پس از وی بسیاری از شعرا درصدد پیروی و خلق اثری مشابه برآمدند که البته موفقیتی چشمگیر نیافتند. چرا که فردوسی ایمانی با ثبات و یقینی مستحکم را در بیت بیت اشعارش منتقل می‌کرد که این اثر را از هر گونه تقلیدی کورکورانه مصون می‌داشت.

اما نکته‌ای که نگارنده قصد دارد در این تحقیق به بحث و بررسی در آن بپردازد، آغاز بندی در چند اثر حماسی است. آغاز بندی همان طور که از نام آن پیداست شروع و ابتدای هر موضوعی است. که در این جا سعی می‌شود قسمت‌های آغازین هر حماسه که شاعر در ابتدا به آن می‌پردازد و سپس وارد موضوع اصلی حماسه می‌شود مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این موضوع و نقد نه تنها باعث شناخت بهتر نسبت به شاعر منظومه می‌شود بلکه اعتقادات و سبک و سیاق مذهبی و نگرش وی را به حماسه نیز منعکس می‌سازد.

شاهنامه‌ی فردوسی مرجعی بر آغاز بندی دیگر منظومه‌های حماسی

شاهکار فردوسی استاد طوسی به حق جاودانه ترین اثر حماسی در ادب فارسی و از کم نظیرترین آثار حماسی در جهان است و باید گفت هر چه اثر حماسی پس از این اثر بزرگ سروده شد تقلیدی از شاهنامه‌ی فردوسی بود. هر چند خود فردوسی حدود ۱۰۰۰ بیت از گشتاسب نامه‌ی دقیقی را آورده اما هر خواننده‌ای تفاوت اثر دقیقی را با شاهکار فردوسی در می‌یابد. اما در این مقوله که بحث ما بر سر آغاز بندی در منظومه‌های حماسی است باید گفت: فردوسی آغاز کتاب را با ستایش پرودگار

نخستین بدین نامه‌ی دلگشایی سخن نقش بستم به نام خدای
خداوند هوش و خداوند جان خداوند بخشنده‌ی مهربان

گفتار اندر ستایش خرد :

در این بخش تاثیر فرهنگ باستان ایران که بر مبنای حکمت و خرد است از سویی گرایش شاعر از لحاظ معتزلی یا اشاعره بودن وی پیداست.

۱- (گفتار اندر ستایش خرد) در ۱۸ بیت در شاهنامه‌ی فردوسی:

کنون‌ای خردمند وصف خرد بدین جایگه گفتن اندر خورد
خرد بهتر از هر چه ایزد بداد ستایش خورد را به از راه داد
۲- (گفتار اندر ستایش خرد) در ابیاتی از گرشاسب نامه:

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد
بزرگیش نباید بر هم اندرون نه اندیشه بشناسد او را که چون
۳- (گفتار در ستایش خرد و عقل) در ۴۳ بیت در سام نامه:

خرد برتر از هر چه ایزد بداد ستایش خورد را به از روی داد
خرد رهنما و خرد دلگشای خورد دست گیرد به هر دو سرای
۴- (گفتار در ستایش خرد و عقل) در ۱۶ بیت در بهمن نامه:

همی باز جویی ز یزدان تو راز نخست از خرد مایه‌ی خویش ساز
بدان تا چه‌ای و ز کجا آمدی در این تیره کیهان چرا آمدی
۵- (در جایگاه خرد و جایگاه شریف انسان) در حدود ۳۰ بیت در خاوران نامه:

خرد کارفرمای و اندیشه کن پرستیدن دادگر پیشه کن
بیا تا به چشم خرد بنگریم که بر آفرینش به رفعت سریم

گفتار در وصف آفرینش عالم :

آبشخور فکری شاعر در این سخنان، به خصوص فردوسی، اوستا و قرآن می‌باشد، که دو بن مایه‌ی فرهنگی ایرانی است و بیان گر فلسفه‌ی آفرینش جهان است که از آفرینش عقل اول نشات می‌گیرد.

- ۱ - (گفتار اندر وصف آفرینش عالم) در ۲۶ بیت در شاهنامه‌ی فردوسی :
- از آغاز باید که دانی درست سرمایه‌ی گوه‌ران از نخست
که یزدان ز ناچیز چیز آفرید بدان تا توانایی آرد پدید
- ۲ - (گفتار اندر آفرینش کائنات) در ۳۵ بیت در ظفرنامه:
- خدا خواست از کبرایی خویش نماید ظهور خدایی خویش
که گنجی نهان بود پروردگار چنان خواست گردد نهان آشکار

گفتار اندر آفرینش مردم :

جان مایه‌ی این قسمت از آغاز بندی نگرش شاعر به نقش مردم در شکل‌گیری جوامع بشری است و حضور و تاثیر مذهب و تاثیر مردم از آن در سروده‌های شعرا به خوبی پیداست.

- ۱- (گفتار اندر آفرینش مردم) در ۱۶ بیت در شاهنامه‌ی فردوسی:
- چو زین بگذری مردم آمد پدید شد این بندها را سراسر کلید
سرش راست بر شد چو سرو بلند به گفتار خوب و خرد کاربند
- ۲- (گفتار اندر ستایش مردم) در ۲۵ بیت در گرشاسب‌نامه:
- کنون زین پس از مردم آرم سخن که گیتی تمام اوست ز آغاز و بن
به گیتی درون جانور گونه‌گون بسند از گمان و ز شمردن
- ۳- (گفتار اندر آفرینش انسان) در ۲۶ بیت در ظفرنامه:

هوایی که شد نامیه نام آن نبودش جز این قدرتی در جهان
 چو بی قال می‌کرد عرفان به حال نمی یافت عرفان زکارش کمال
 ۴ - (گفتار اندر تمثیل جوارح انسان) در ۵۳ بیت در بهمن نامه :

کس اندر جهان جاودانه نماند تو را پیش یزدان بهانه نماند
 تن تو بسان سپه ساخته است ز دانش درفش برافراخته است

گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه:

این قسمت اشاره به قدرت پرور دگار در آفرینش آفتاب و ماه و نقش آنها در زندگی بشر دارد.

تشبیهات و استعاراتی که شعرا در این قسمت به کار می‌برند قابل توجه است.

۱- (گفتار اندر آفرینش آفتاب و ماه) در ۱۴ بیت در شاهنامه‌ی فردوسی:

زیاقوت سرخ است چرخ کبود نه از آب و گرد و نه از باد و دود
 به چندین فروغ و به چندین چراغ بیاراسته چون به نوروز باغ

۲ - (گفتار اندر صفت آسمان) در ۱۳ بیت در گرشاسب نامه:

چو دریاست این گنبد نیلگون زمین چون جزیره میان اندرون
 شب و روز بر وی چو دو موج بار یکی موج از او زرد و دیگر چو غار

گفتار اندر ستایش و معراج پیغمبر(ص):

ستایشی است عاشقانه از پیامبر خاتم که هر شاعری در این قسمت سعی می‌کند تا تمامی بن مایه‌ی شاعری خویش را خرج کند تا مقام شامخ پیامبر را بستايد و دیدگاه مذهبی خویش را بروز دهد

۱- (گفتار اندر ستایش پیغمبر) در ۱۸ بیت در شاهنامه‌ی فردوسی:

تورا دانش و دین رهاند درست در رستگاری ببایدت جست
و گردل نخواهی که باشد نژند نخواهی که دایم بوی مستمند
به گفتار پیغمبرت راه جوی دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی

۲ - (گفتار اندر نعت نبی اکرم) در ۲۰ بیت در گرشاسب نامه:

ثنا باد بر جان پیغمبرش محمد فرستاده و به‌ترش
که بد بر دل دین یزدان کلید جهان یکسر از بهر او شد

۳ - (گفتار در نعت خواجه‌ی کاینات) در ۲۵ بیت در شرف نامه:

فرستاده‌ی خاص پروردگار رساننده‌ی حجت استوار
گرانمایه‌ی تاج آزادگان گرامی تر از آدمی زادگان

۴ - (گفتار در معراج پیغمبر) در ۷۷ بیت در شرف نامه:

شبی کاسمان مجلس افروز کرد شب از روشنی دعوی روز کرد
سرا پرده‌ی هفت سلطان سریه بر آمده گوهر به چینی حریر

۵ - (گفتار در نعت پیغمبر (ص)) در ۵۲ بیت در حمله‌ی حیدری نامه:

محمد که ایزد ثنا خوان اوست خداوند عالم رضا جوی اوست
۶ - (گفتار در مبعوث شدن حضرت ختمی مرتبت) در ۹۵ بیت در حمله‌ی حیدری نامه:

بدور آر آن ساغر سروری که شد دور احمد محکم ایزدی
بساط کهن در نور دیده شد بگیتی بساط چیره شد

(حمله‌ی حیدری نامه، ص ۷)

۷ - (گفتار در نعت سید المرسلین) در ۳۲ بیت در ظفر نامه:

چو آدم بیامد به روی زمی پدید آمد از نسل او آدمی
شد از آدمی مومن اشرف به ذات چو عابد به مومن به اندر صفات

۸ - (گفتار در ستایش مقام نبوت) در ۴۰ بیت در خاوران نامه:

شه انبیا سید المرسلین شفیع شفیع رسول امین
 امام دو محراب و ذوقبلتین نبی الهدی مهتدی الخالقین
 ۹- (گفتار در وصف معراج پیغمبر) در ۸۸ بیت در خاوران نامه:

خجسته شبی خوشتر از روز عید سعادت مساعد به بخت سعید
 ز دیوان سلطان یوم الحساب سوی طایر سدره آمد خطاب
 ۱۰- (گفتار در خطاب به حضرت مصطفی (ص)) در ۲۴ بیت در خاوران نامه:

زهی مکی احرام یشرب حرم چو بیت الحرم روضه ات محترم
 صفا مروه را دائم از سعی توست همه عمره حق با صفایت درست

گفتار اندر فراهم آوردن کتاب:

دلایل شاعر است به زبان شعر با بیان منطقی و گاه معنوی در جهت خلق اثری که به نظر وی بسیار تاثیرگذار و کم نظیر است.

۱- (گفتار اندر فراهم آوردن) شاهنامه در ۱۸ بیت:

سخن هرچه گویم همه گفته اند بر باغ دانش همه رفته اند
 اگر بر درخت برومند جای نیابم که از بر شدن نیست رای

۲- (گفتار اندر سبب گفتن قصه) در ۳۴ بیت در گرشاسب نامه:

یکی کار جستم همی ارجمند که نامم شود زوبگیتی بلند
 اگر نامه رفتمتم را نوید دهند این دو پیک سیاه و سپید
 برفتن بود خوش دل شاد من به نیکی کند هرکسی یاد من

۴- (گفتار در شرف نامه بر دیگر نامه ها) ۱۲۵ بیت در شرف نامه‌ی نظامی:

بیا ساقی از سر بنه خواب را می ناب ده عاشق ناب را
 میی کو چو آب زلال آمده ست به هر چار مذهب حلال آمده ست

۵- (گفتار اندر سبب نظم کتاب) در ۲۲۵ بیت در ظفرنامه:

الا ای شناسنده نیـک و بد اگـر بهره ور گشته ای از خرد
 به روشن ضمیر و به رای رزین بـه چشم دل و خاطر دوربین
 نگه کن بین تا چـرا آدمی به از کائنات آمد اندر زمی

گفتار اندر ستایش سلطان وقت :

گفتاری است به نظم در مدح پادشاه مورد حاجت شاعر که بیشتر از لحاظ مادی شاعر را تحت تاثیر و تقویت قرار می دهد. هرچند در مواردی شعرایی مثل فردوسی با اکراه بسیار دست به مدحی ظاهری زدند.

۱- (گفتار اندر ستایش سلطان محمود) در ۴۹ بیت در شاهنامه‌ی فردوسی:

جهان آفرین تا جهان آفرید چنو مرزبانی نیامد پدید
 چو خورشید بر چرخ بنمود تاج زمین شد به کردار تابنده عاج

۲- (گفتار اندر ستایش شاه بودلف) در ۷۰ بیت در گرشاسب نامه:

کنون ز ابر دریای معنی گوهر بیارم گل دانشش آرم بیـر
 فزایم زجان آفرین شاه را که زیباست مر خسروی گاه را

۳- (گفتار در مدح نصرت الدین ابوبکر محمد) در ۷۵ بیت در شرف نامه:

جهان پهلوان نصرت الدین که هست بر اعدای خود چون فلک چیره دست
 مخالف پس اندیش و او پیش بین بد اندیش کم مهر و او بیش کین

۴- (گفتار در خطاب زمین بوس) در ۲۸ بیت در شرف نامه:

جهان خسروا زیر هفت آسمان طرفدار پنجم تویی بی گمان
 جهان را به فرمان چندین بلاد ستون در توسط ذات العمامد

۵- (گفتار اندر ستایش سلطان محمد) در ۹۵ بیت در بهمن نامه:

فزون گشته ده سال تا روزگار برآشفت بر نامور شه‌ریار
 سرتاجداران ملک‌شاه شاه از آن که که شد سوی آن بارگاه
 این سبک آغاز بندی در شاهنامه به طور کلی با تغییراتی چند بعدها در تمامی منظومه‌های
 حماسی رعایت شد و حتی در بعضی منظومه‌ها ابیات شاهنامه عیناً تکرار شد.

فردوسی موحد، خردگرا، حکیم، متدین به دین اسلام و مذهب تشیع است. از
 بی احترامی به خلفای نخستین می‌پرهیزد. حقوق دقیقی و دیگران را که پیش از او
 اقدام به سرودن شاهنامه کرده‌اند نگه می‌دارد. از لطف ایران دوستان برخوردار می‌شود
 و سرانجام ناگزیر کتاب را به محمود غزنوی تقدیم می‌کند. پس از فردوسی دیگر
 شعرا هر چه سرودند حماسه‌ای تصنعی بود. شاید به جرأت بتوان گفت، شاهنامه و
 گرشاسب نامه و تا حدی شرف نامه انسجام بیشتری نسبت به دیگر حماسه‌ها داشتند.
 البته در آغاز بندی منظومه‌های حماسی موضوعات دیگری نیز مطرح شد که نشانگر
 نگرش مذهبی شاعر و گاه تمایل بیشتر او به دربار آن زمان بود که در این نوشتار سعی
 شد بیشتر مشترکات این ۱۰ منظومه با هم تطبیق داده شود.

نتیجه گیری

شاهنامه فردوسی اساس قیاس تمامی منظومه‌های حماسی است مرجعی است تمام
 و کمال که بسیاری از نویسندگان صاحبان منظومه‌های حماسی در سرایش منظومه‌های
 خود راه او را پوییده‌اند. بعضی مانند اسدی طوسی در آغاز منظومه‌های خود عیناً
 ویژگی‌های شاهنامه را لحاظ کرده‌اند و دسته‌ای دیگر سعی نموده‌اند محتوای داستانی
 شاهنامه را در منظومه‌هایشان لحاظ کنند. البته این مقاله چون در راستای مقایسه‌ی
 آغاز بندی ۱۰ منظومه‌ی حماسی است بیشتر این موضوع را مورد چالش قرار می‌دهد.
 اما نکته‌ی بسیار چشمگیر در نگاهی کاوشگرانه به آغاز بندی این منظومه‌های حماسی

بازتاب نگرش مذهبی سراینندگان آن است که به راحتی می‌توان تفکر اشعری و معتزلی در میان ابیات آغاز منظومه دریافت. جدای از منظومه‌هایی مثل حمله (حیدری نامه) در دیگر منظومه‌ها سراینده به راحتی افکار و اعتقادات خود را بروز نمی‌دهد. گویی فضای جامعه به گونه ایست که نگاه خاص مذهبی سراینده خیلی همسو با جریان مذهبی و عرف جامعه نیست همانگونه که در (شاهنامه‌ی استاد طوس) می‌بینیم یا (گرشاسب نامه‌ی اسدی طوسی)، در دیگر منظومه‌ها نیز مثل برزنامه، فرامرز نامه و جهانگیر نامه شاعر بی هیچ طول و تفصیلی پس از حمد خدا به اصل داستان وارد می‌شود که به عقیده‌ی نگارنده، این موضوع در مورد شاعر و جامعه او، روانشناسی و جامعه‌شناسی خاصی را نشان می‌دهد که در جای خود باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد. اما آنچه از این پژوهش حاصل می‌شود این است هر چه از حماسه و آثار حماسی پس از شاهنامه‌ی فردوسی تألیف می‌شود گویی ثمری چند بود بر درختی تنومند و پر بار که هر چند شاخ و برگ و ثمر این درخت حماسه بر اثر مرور زمان رنگ باخت اما ریشه‌ی این درخت پر بار که حاصل تفکر و تدبیر بی نظیر استاد طوسی است تا جهان شعر و ادب برقرار است بر صفحه‌ی ادبیات ایران جهان خودنمایی می‌کند.

فهرست منابع

- ۱- اسدی طوسی، گرشاسب نامه، چاپخانه بروخیم، تهران، ۱۳۱۷
- ۲- ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، براساس چاپ مسکو، انتشارات سوره‌ی مهر، تهران، ۱۳۷۷
- ۳- ابن حسام، محمد بن حسام الدین، خلاصه‌ی خاوران نامه، تصحیح مرادی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۲
- ۴- ایران شاه ابن الخیر، بهمن نامه، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۰
- ۵- حمدالله مستوفی، ظفرنامه، تصحیح مهدی هدایتی، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ۱۳۸۰
- ۶- خواجه‌ی کرمانی، سام نامه، تصحیح دکتر میترا مهرآباد، دنیای کتاب، تهران ۱۳۸۲
- ۷- دهخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط، به کوشش دکتر ستوده، دکتر مهرکی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵
- ۸- صفا، ذبیح الله، حماسه سرایی در ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۴
- ۹- عطایی رازی، برزنامه، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۸۲
- ۱۰- قاسم مادح، جهانگیرنامه، به کوشش دکتر سجادی، مقدمه‌ی دکتر محقق، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۰
- ۱۱- میرزا محمد رفیع، متخلص به باذل، حمله‌ی حیدری نامه، تهران، کانون کتاب، ۱۳۵۷
- ۱۲- نظامی گنجوی، شرفنامه، تصحیح دکتر وحید دستگردی و سعید حمیدیان، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸